

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه حاقه

استاد ضرابی، تیرماه ۱۴۰۱

جلسه چهارم ۱۴۰۱/۴/۷

آیات شریفه: «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ (۱۳) وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً (۱۴) فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (۱۵) وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ (۱۶) وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ (۱۷) - پس آنگاه که در صور يك بار دمیده شود (۱۳) و زمین و کوه ها از جای خود برداشته شوند و هر دوی آنها با يك تکان ریز ریز گردند (۱۴) پس آن روز است که واقعه [آنچنانی] وقوع یابد (۱۵) و آسمان از هم بشکافد و در آن روز است که آن از هم گسسته باشد (۱۶) فرشتگان در اطراف آسمان قرار می گیرند [و برای انجام مأموریت ها آماده می شوند] (و آن روز عرش [قدرت] پروردگارت را هشت فرشته بر فراز همه ی آن ها حمل می کنند) (۱۷)»

عنوان: سفر از عالم حیوانات به عالم ملائکه و ارواح قدسیه!

در کریمه « فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ ... » می فرماید: هنگامی که در «صور» دمیده شود، و زمین و کوه ها از جا برداشته و يك باره در هم کوبیده و متلاشی گردند، در آن روز فرشتگان در اطراف آسمان قرار می گیرند [و برای انجام مأموریت ها آماده می شوند] و آن روز عرش [قدرت] پروردگارت را هشت فرشته بر فراز همه ی آن ها حمل می کنند و نیز می فرماید: «وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوُّهُ دَاخِرِينَ - و روزی که در صور دمیده شود، پس هر که در آسمان ها و هر که در زمین است بهراسد، مگر آن کس که خدای خواهد و همه سرافکنده و فروتن به نزد او آیند. - (نمل/۸۷)» آنچه از آیات و اخبار استفاده می شود این است که حادثه شکافته شدن آسمان ها بسیار عظیم تر و سخت تر از حادثه از جای کنده شدن و در هم کوبید شدن کوه ها و دیگر حوادث قیامت در روی زمین است؛ زیرا شکافته شدن آسمان ها آیت تغییراتی است که برای جهان ارواح رخ

می‌دهد و حوادث روی زمین بازگو کننده آثار حوادث قیامت در عالم اجسام است،

حد جسمت يك دو گز خود بیش نیست جان تو در آسمان جولان كني است
بی شك آنچه در عالم جان و روان به وقوع می‌پیوندد مهم‌تر و عظیم‌تر از
حوادثی است که برای اجسام در عالم طبیعت رخ خواهد داد. این آیات از ما
می‌خواهد تأمل و تفکر بیشتری در حادثه‌ای که عنقریب برای روح و روان ما
اتفاق می‌افتد، داشته باشیم؛ وقتی قرار است ارواح انسانی در اختیار ملائکه
الهی قرار می‌گیرند تا به همه شؤون آنها بر اساس میزان الهی رسیدگی شود،
از هم اکنون باید توجه داشته باشیم که با اعمال و افکار و دلبستگی‌ها، از خود
چه شخصیتی می‌سازیم؛

دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای فرشته ات بدو دست دعا نگه دارد

در قرآن کریم می‌خوانیم «إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ مَا يُلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ- آن گاه که آن دو [فرشته] فراگیرنده از جانب راست و از جانب چپ [آدمی] نشسته [اعمال او را] فرامی‌گیرند. هیچ سخنی بر زبان نیارد، مگر آنکه در نزد او نگهبانی آماده است- (ق/ ۱۷ و ۱۸)» «وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ- و هر آینه بر شما نگهبانانی باشد، بزرگوارانی نویسنده، که می‌دانند آنچه می‌کنید- (انفطار/ ۱۰-۱۲)»
«ملائکه‌ای که در آیات متعددی به عصمت آنها اشاره شده: «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ- بر آنان فرشتگانی درشت خو و سختگیر نگهبانند که خدای را در آنچه به آنان فرماید نافرمانی نکنند و هر چه فرماید، همان کنند- (تحریم/ ۶)» «يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ- از پروردگار خود که بر فراز آنهاست می‌ترسند و آنچه فرمان داده می‌شوند همان می‌کنند- (نحل/ ۵۰)» در قرآن کریم از این فرشتگان به رسولان الهی تعبیر می‌شود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ- سپاس و ستایش خدای راست، آفریننده آسمان‌ها و زمین هم او که فرشتگان را فرستادگانی کرد دارای بال‌هایی دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه، در آفرینش هر چه خواهد می‌افزاید. همانا خدا بر هر چیزی تواناست- (فاطر/ ۳۵)»
روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وارد است که فرمود: «خداوند متعال از هر چیزی چهار تا، اختیار و انتخاب فرموده و از فرشتگان نیز

جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و ملک الموت (عزرائیل) را اختیار کرده است.» (بحار/ ج ۵۶، ص ۲۵۰) امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه اشباح، فرشتگان را این گونه معرفی می نمایند: «اشتغال به عبادت حق، آنها را از هر کار دیگری باز داشته و حقیقت ایمان میان آنها و معرفت حق پیوند لازم ایجاد کرد. نعمت یقین آنها را شیدای حق گردانیده که به غیر خدا هیچ علاقه ای ندارند.»

علوم دین ز اخلاق فرشته است نیاید در دلی کو سگ سرشتست

«وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَفُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ - و فرشتگان را بینی که گرد عرش را فرا گرفته اند، پروردگارشان را همراه با سپاس و ستایش به پاکی یاد می کنند، و میانشان به راستی و درستی داوری شود، و گفته شود: سپاس و ستایش خدای راست، پروردگار جهانیان- (زمر/۷۵)». فرشتگان موجوداتی نورانی هستند که دسته‌ای از آنها آسمان های هفت گانه و عرش و کرسی را حمل می کنند و با توجه به کریمه «... وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ...-بقره/۲۵۵»، این دسته از فرشتگان دارای قدرت فراوان و نیروی فوق العاده می باشند؛ امام صادق (علیه السلام) درباره آنها فرمود: «حَمَلَةُ الْعَرْشِ (وَالْعَرْشُ الْعِلْمُ) ثَمَانِيَةٌ؛ أَرْبَعَةٌ مِنَّا وَ أَرْبَعَةٌ مِمَّنْ شَاءَ اللَّهُ- امام صادق (علیه السلام)- حاملین عرش (و عرش به معنی علم است) هشت نفرند: چهار نفر از ما و چهار نفر از آنها که خدا می خواهد» (الکافی، ج ۱، ص ۱۳۲)

درس آدم را فرشته مشتری محرم درسش نه دیواست و پری

فرشتگانی هم وجود دارند که بلندی عرش را - که فهم، قادر به درك آن نیست - طی می کنند: «تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ- فرشتگان و روح - فرشته همراه وحی - در روزی که درازای آن پنجاه هزار سال است - از سال های دنیا - به سوی او بالا می روند- (معارج/ ۴)» اسرافیل در میان فرشتگان به يك نفخه در صور توانایی دارد تمامی کائنات را بمیراند و به نفخه دیگر دوباره زنده گرداند به اذن الله و نیز در قدرت جبرئیل آمده است که مأمور نابودی شهرهای قوم لوط شده و آن چهار شهر بود، در هر شهر چهارصد هزار مرد جنگجو بجز فرزندان آنها وجود داشت، جبرئیل این شهر را از میان برداشت و به بالا برد تا جایی که فرشتگان آسمان صدای

حیوانات آنها را شنیدند، سپس به زمین آورد و زیرورو کرد! (مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۵۷۴) «وَالصَّافَّاتِ صَفًّا فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا» - سوگند به آن صف زدگان - فرشتگان صف کشیده - که [به طاعت و بندگی] صف زده اند. سوگند به آن رانندگان که سخت می رانند - فرشتگانی که ابرها یا دیوان را می رانند - و سوگند به آن خوانندگان یاد و پند - آیات قرآن- (صافات/ ۱-۳)»

در روایت می خوانیم که انسان ها از نظر تعداد يك دهم جنیان و جن و انس به روی هم ، يك دهم حیوانات خشکی هستند و همه به روی هم يك دهم فرشتگان آسمان دنیا و همه آنها هم يك دهم فرشتگان آسمان دوم اند و بر همین ترتیب است تا برسد به فرشتگان آسمان هفتم، آن گاه همگان در برابر فرشتگان کرسی، بسیار کم و ناچیز بوده و سپس همه اینها يك دهم فرشتگان يك پرده از سرپرده های عرش اند، که درازای هر سرپرده آن ششصد هزار است و پهنا و طاق آن به اندازه ای است که اگر تمامی آسمان ها و زمین ها و آنچه در آنها و بین آنها موجود است در برابر آن قرار دهی، چیزی بسیار كوچك است و در آن به اندازه گنجایش گامی نیست، جز آنکه فرشته ای در حال سجود و یا رکوع و یا برپا ایستاده در آنجاست و آنان را بانگ به تسبیح و تقدیس بلند است، سپس تمامی این ها در برابر فرشتگانی که در اطراف عرش الهی طواف می نمایند، مانند قطره ای است در دریا، که شمار آنان را جز خدا کسی نمی داند، این فرشتگان با فرشتگان لوح که پیروان اسرافیل اند و فرشتگانی که سپاهیان جبرئیل اند، تمامی شنوا و فرمانبردار امر الهی بوده و کوتاهی و سستی به خرج نمی دهند... (مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۵۵۷)

از مقایسه برخی روایات با برخی دیگر این طور فهمیده می شود که مقصود از بیان کثرت ملائکه (با توجه به اینکه آنها موجوداتی نورانی و مجرد هستند)، معرفی آنها به زبان اهل طبیعت است تا کثرت ملائکه را تا حدودی روشن سازد. آن دسته از ملائکه که هیچ وابستگی به عالم اجسام ندارند «کروبیان» نام دارند، (در مقابل برخی دیگر که به نحوی متعلق به عالم ماده اند) قسمی از کروبیان، فرشتگان «مهیمن» نام دارند که غرق در عظمت خداوند متعال می باشند و حتی به ذات خود هم توجه ندارند؛ تنها محو شهود آن حسن بی مثالند. (مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۵۴۶)

امام صادق علیه السلام فرمود: «کروبیان (فرشتگان مقرب) گروهی از پیروان ما از نخستین آفرینش اند که خداوند آنان را پشت عرش قرار داد. اگر نور یکی از آنها بر تمام زمین تقسیم شود، آنان را کفایت کند. آن گاه فرمود: هنگامی که

موسی علیه السلام خواسته خود را (مبنی بر رؤیت حق تعالی) به خداوند عرضه داشت- (اعراف/۱۴۳)- خداوند به یکی از آنان فرمان داد، پس نور او بر کوه جلوه گر شد و آن را متلاشی ساخت. «(بحار/ ج ۵۶، ص ۱۸۴) دلا ز نور هدایت گر آگهی یابی چو شمع خنده زنان ترك سر توان کرد

از اهل ملکوت برخی فرشتگان حاملان عرش و کرسی و فرشتگانی کارگزاران ملکوت اعلی و تدبیر کننده اجرام آسمانی، خورشید، ماه، ستارگان، شب و روز، برخی هم تدبیر کننده و متصرف در گیاهان، حیوان، انسان، اعمال، زمان ها، مکان ها، مرگ، برزخ، حشر، بهشت، دوزخ و... هستند. در قرآن کریم می خوانیم «جَنَّاْتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ- منزل آنها بهشت های عدن است که خود و همه پدران و زنان و فرزندان شایسته آنها در آن بهشت ها داخل می شوند در حالی که فرشتگان بر (تهنیت) آنها از هر در وارد می گردند- (رعد/۲۳ و ۲۴)» اوضاع دوزخیان نیز به گونه دیگری به وسیله ملائکه الهی اداره می شود: «عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً... بر آن نوزده [فرشته] گماشته است، و ما دوزخیان را جز فرشتگان نساختم- (مدثر/ ۳۰ و ۳۱)» تا جایی که جزئی ترین امور عالم از داشتن مدبر و موکل استثناء نشده است. از این میان ملائکه ای که متعلق به اجسام عنصری هستند ملائکه ملکوت اسفل نامیده می شوند؛ البته میان ملکوت اعلی و اسفل مراتب و طبقات فراوانی وجود دارد. (سیدمحمدحسین طباطبائی، رسائل توحیدی، ص ۱۹۳)

ملاصدرا در شرح اصول کافی فرشتگان را به دو دسته علمی و عملی تقسیم می کند که هر کدام از آنها به حسب مقام و حال خود به تسبیح پروردگار مشغولند. «وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ- فرشتگان بر کناره های آن (آسمان) باشند، و عرش پروردگار را در آن روز هشت [فرشته] بر فراز سرشان بردارند.» (الحاقه/ ۱۷) بنابراین، چهار فرشته علمی، او را به قدرت و آمرزشی که از صفات فعل است ستایش می کنند و چهار فرشته علمی، او را به علم و حکمتی که از صفات ذات است، می ستایند. (شرح اصول کافی، ترجمه محمد خواجوی، ج ۳، ص ۴۵۱)

مولای متقیان فرمود: «عرش نام علم و قدرت است، و عرش نام چیزی است که همه چیز در آن است، و حمل عرش را به انواع دیگری از آفریده هایش

نسبت داده، چون خلقتش را به حمل عرشش به عبادت واداشته و آنان حاملان علم اویند، و خلقی گرد عرشش تسبیح گو و به مقتضای علم حق تعالی عمل می کنند و فرشته هایی هستند که کردار بنده هایش را می نویسند، و مردم زمین را به عبادت و طواف گرد خانه اش واداشت و خدا چنانکه فرموده بر عرش استوار است، و عرش و حاملانش و هر که گرد آن است، خدا حامل و نگهبان و نگهدار بر آن ها و قائم بر هر کس و برتر از هر چیز است. « (الکافی، ج ۱، ص ۱۳۰)

جاثلیق از امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرسید: «به من بگو آیا خدای عزوجلّ عرش را حمل می کند یا عرش او را حمل می نماید؟» حضرت فرمود: «خدای عزوجلّ حامل عرش و آسمان ها و زمین و آنچه در آن ها و میان آنهاست می باشد... جاثلیق گفت: «درباره ی این آیه: "و یَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةَ" چه می گویی؟ پس با آنچه شما گفتی، خدا عرش را حمل می کند، تضاد دارد؟» امام (علیه السلام) فرمود: «خداوند تبارک و تعالی، عرش را از چهار نور آفرید، نوری سرخ که سرخی از آن پیدا شده و نوری سبز که سبزی از آن سبز گشته و نوری زرد که زردی از آن گرفته شده و نوری سفید که سفیدی از آن سفید گشته است، و منظور علمی است که خداوند آن را بر حاملان حمل کرده است و آن نوری از عظمت خود است، پس به واسطه ی عظمت و نور او، دل های مؤمنان سفید گردیده و به واسطه ی عظمت و نور اوست که جاهلان، با او دشمنی می کنند و به عظمت و نور اوست که؛ همه ی مخلوقات آسمان و زمین، با اعمال مختلف و راه های گوناگون به دنبال وسیله، برای نزدیکی به او، می گردند...» (الکافی، ج ۱، ص ۱۲۹)

ای برادر يك دم از خود دور شو	با خود آی و غرق بحر نور شو
بر من از هستی من جز نام نیست	در وجودم جز توای خوش کام نیست

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ حَمَلَةَ الْعَرْشِ لَمَّا ذَهَبُوا يَنْهَضُونَ بِالْعَرْشِ لَمْ يَسْتَقِلُّوهُ فَأَلْهَمَهُمُ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَنَهَضُوا بِهِ- حمل کنندگان عرش وقتی خواستند عرش را بلند کنند، نتوانستند آن را بالا ببرند؛ پس خداوند به آن ها الهام فرمود [که بگویند]: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، نیرو و قوتی جز از ناحیه خدا نیست؛ در نتیجه آن را بلند کردند». (المحاسن، ج ۱، ص ۴۱)

به بیان دیگر: «ما در برابر خدا مالک چیزی نیستیم و مالک چیزی نمی شویم جز آنچه او به ما بخشیده است. پس چون خدا چیزی به ما ببخشد که خود سزاوارتر است، وظایفی نیز بر عهده ما گذاشته، و چون آن را از ما گرفت،

تکلیف خود را از ما برداشته است». (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۴) و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «وقتی بنده‌ای گفت: «لا حول ولا قوة الا بالله» همانا سرنوشت خود را به خدا واگذار کرده است بنابراین بر خداوند است که او را کفایت نماید (و همه نیازهای او را برآورده سازد)» (وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۱۸)

ای جان خبرت هست که جانان تو کیست	وی دل خبرت هست که مهمان تو کیست
ای تن که بهر حيله ره می جویی	او می کشتد ببین که جویان تو کیست
وصلی الله علی محمد و آله	